

سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

تحولات راهبردی ۱۳۹۰
چشم‌انداز ۱۳۹۱

زیر نظر شورای نویسندگان



پژوهشکده مطالعات راهبردی
غیرتسلیمی

انتخابات در کشورهای جهان

مقدمه

سال ۱۳۹۰ از ابتدا با وقوع انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری در کشورهای مختلف مثل هائیتی، ایرلند، نیجریه، زیمباوه، ترکیه، مصر، آرژانتین، لهستان، روسیه، مراکش، اسپانیا همراه بود. از این میان انتخابات چند کشور ترکیه، روسیه، مصر، تونس و مبارزات مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بیش از کشورهای دیگر می‌توانند بر امنیت ملی ایران اثرگذار باشند. از این رو، در نوشته به بررسی انتخابات در این چند کشور می‌پردازیم:

در انتخابات ترکیه، حزب حاکم عدالت و توسعه با کسب ۴۹/۹۲ درصد آراء و ۳۲۶ کرسی مجلس به پیروزی رسید

انتخابات پارلمانی ترکیه: بیست و چهارمین دوره انتخابات نمایندگی مجلس ترکیه در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۹۰/۳/۲۲) با حضور هفت هزار و ۴۹۲ نفر کاندیدا از ۱۵ حزب سیاسی و ۲۰۳ نفر کاندیداهای منفرد برگزار شد. این رقابت بر سر ۵۵۰ کرسی پارلمان این کشور و در ۸۵ حوزه انتخاباتی اتفاق افتاد. در این انتخابات مهم‌ترین رقابت‌ها میان ۴ حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، جمهوری‌خواه خلق، حرکت ملی و نمایندگان منفرد مورد حمایت حزب صلح و دموکراسی در جریان بود. میزان مشارکت مردم در این انتخابات ۸۷ درصد بود. در نتیجه این انتخابات، حزب حاکم عدالت و توسعه با کسب ۴۹/۹۲ درصد آراء و ۳۲۶ کرسی مجلس به پیروزی رسید. پس از آن حزب جمهوری خلق با کسب ۲۵ درصد آراء و ۱۳۵ کرسی در مقام دوم، و حزب حرکت ملی گرا (موسوم به گرگ‌های خاکستری و اولکوجو) با کسب ۱۳ درصد آراء و ۵۳ کرسی در مقام سوم قرار گرفتند. نمایندگان زن در مجلس جدید ترکیه ۱۴ درصد از نمایندگان را تشکیل می‌دهند که این رقم نسبت به سال ۲۰۰۷، شش درصد افزایش یافته است.

پیروزی حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان در سطح بین‌الملل پیام‌های تبریک از کشورها و سازمان‌های مختلف مثل اتحادیه اروپا، آلمان، آذربایجان، عراق، ایران، اتحادیه عرب و کوزوو را به دنبال داشت. مقامات اسرائیل نیز اظهار داشتند که پیروزی مجدد حزب اردوغان در صورتی که با اتخاذ سیاست‌های متوازن و مسئولانه در قبال اسرائیل باشد، می‌تواند صفحه‌ای جدید در روابط دوجانبه باز کند.

انتخابات تونس: انتخابات شورای ملی مؤسسان تونس با گذشت نزدیک به ده ماه از سقوط حکومت دیکتاتوری زین العابدین بن علی در روز یک‌شنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱ (اول آبان ۱۳۹۰) تحت تدابیر شدید امنیتی در هفت هزار حوزه انتخاباتی برگزار شد. بنابر اعلام کمیته عالی مستقل انتخابات بیش از ۵۰۰۰ ناظر تونس و بیش از ۵۰۰ ناظر از کشورهای دیگر بر آن نظارت داشتند. آمار ارائه شده در خصوص تعداد واجدین شرایط و میزان مشارکت در این انتخابات تا حدود زیادی متفاوت است در حالی که برخی از خبرگزاری‌ها تعداد مشارکت‌کنندگان را ۱۱ میلیون نفر اعلام کردند و مقامات تونس نیز از مشارکت نود درصدی مردم سخن به میان آوردند، بسیاری از منابع نیز از وجود ۷۰۲ میلیون واجد شرایط رای دادن سخن گفتند و میزان مشارکت را از ۳۰ تا ۵۴٫۱ درصد برآورد کردند. ۹۰۰ هزار تونس‌نشین نیز در هفت حوزه انتخاباتی برای انتخاب ۱۸ نماینده از ۲۱۷ نماینده شورای مؤسسان واجد شرایط بودند که بنابر برآوردها کمی بیش از ۳۰ درصد آنها در انتخابات مشارکت داشتند.

در انتخابات تونس، حزب اسلام‌گرای النهضة به رهبری راشد الغنوشی توانست با کسب بیش‌ترین میزان آرا ۹۰ کرسی (۴۱٫۴۷ درصد آرا) از جمله نیمی (۹ کرسی) از کرسی‌های خارج‌نشینان را به دست آورد

در این انتخابات ۱۱۶۱۸ نفر در قالب نامزدهای مستقل و حزبی از ۸۱ حزب و از همه گروه‌های چپ، راست، میانه‌رو، ملی‌گرا، دموکرات، اسلام‌گرای میانه‌رو، اخوان‌المسلمین و سوسیالیست با یکدیگر رقابت کردند. با این حال رقابت اصلی در میان ۶ حزب اصلی یعنی النهضة، حزب ترقی‌خواه دموکرات (با گرایشات لیبرالی)، حزب سوسیالیست‌های بین‌الملل، حزب اجتهاد، حزب کنگره برای جمهوری و در آخر حزب کمونیست کارگران صورت گرفت. حزب اسلام‌گرای النهضة به رهبری راشد الغنوشی توانست با کسب بیش‌ترین میزان آرا ۹۰ کرسی (۴۱٫۴۷ درصد آرا) از جمله نیمی (۹ کرسی) از کرسی‌های خارج‌نشینان را به دست آورد. پس از النهضة حزب کنگره برای جمهوری با ۳۰ کرسی (۱۳٫۸۲) دوم و حزب دموکراسی برای کار و آزادی با ۲۱ کرسی (۹٫۶۸ درصد) سوم فهرست "العریضه الشعبیه" با ۱۹ کرسی (۸٫۷۶) چهارم و حزب دموکراتیک پیشرو "با ۱۷ کرسی (۷٫۸۳) پنجم شد. ناظران بین‌المللی از چگونگی برگزاری انتخابات تمجید کرده و اعلام کردند که انتخابات در فضایی سالم و فارغ از تقلب اتفاق افتاده است. رئیس‌جمهور آمریکا نیز برگزاری انتخابات در تونس را گام مثبتی رو به جلو تفسیر کرد. بدین ترتیب مجلس منتخب مؤسسان با حضور ۲۱۷ نماینده به عنوان مرجع تدوین قانون اساسی جدید تونس و سامان‌بخشی به امور سیاسی کشور برای یک سال تشکیل شد.

انتخابات روسیه: انتخابات مجلس دومای روسیه در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۱۱ (۱۳ آذر ۱۳۹۰) در ۹۷ هزار حوزه رأی‌گیری در در داخل و خارج از روسیه با حضور تنها هفت حزب سیاسی

و رقابت ۳۰۵۳ نامزد برگزار شد. این رقابت بر سر ۴۵۰ کرسی مجلس دوما برای مدت ۵ سال بود و ۷۰۰ ناظر خارجی و ۵۰۰ هزار روس بر آن نظارت کردند. میزان مشارکت با ۳ درصد کاهش نسبت به انتخابات ۲۰۰۷، ۶۰.۲۱ در صد اعلام شد.

حزب روسیه واحد با از دست دادن ۷۷ کرسی نسبت به دوره قبل، نزدیک به ۵۰ درصد آرا و ۲۳۸ کرسی مجلس را به دست آورد و در مقام اول قرار گرفت. پس از آن حزب "کمونیست" با ۹۲ کرسی و حزب "روسیه عادل" با ۶۴ کرسی، حزب "لیبرال دموکرات" با ۵۶ کرسی در مراتب بعدی قرار گرفتند. سه حزب دیگر به ترتیب حزب لیبرال غرب گرا به نام "یابلوکو" که تنها ۲.۴۳ درصد و حزب راست گرای "میهن پرستان روسیه" ۹۷ صدم درصد آراء و سرانجام حزب جدید "آرمان صحیح" (امرحق) فقط شش صدم درصد آراء شرکت کنندگان را بدست آوردند و نتوانستند به مجلس راه یابند.

پس از اعلام نتایج انتخابات با حمایت و برنامه ریزی گروه های اپوزیسیون روسیه از جمله حزب کمونیست و شبکه های اجتماعی اینترنت تظاهرات گسترده ای در تعداد زیادی از شهرها و استان های روسیه صورت گرفت. این افراد خواهان ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن و محاکمه پوتین شدند. در این میان سازمان امنیت و همکاری اروپا به عنوان یکی از ناظران انتخابات اعلام کرد که در رای گیری به نفع حزب روسیه متحد عمل شده است. پارلمان اروپا نیز با تصویب بیانیه ای خواستار رسیدگی به تخلفات و برگزاری مجدد انتخابات آزاد و دموکراتیک شد. مقامات آمریکا و انگلیس نیز با انتقاد شدید از روسیه خواهان ابطال و برگزاری مجدد انتخابات شدند که این امر واکنش شدید پوتین و مددوف را برانگیخت.

همچنین انتخابات ریاست جمهوری روسیه و با رقابت ۴ کاندیدا در چهارم مارس ۲۰۱۲ در حالی برگزار شد که حکومت روسیه ۴۵۰ هزار سرباز و پلیس را برای تأمین امنیت مستقر کرده بود. این چهار کاندیدا عبارت بودند از پوتین و رقیب اصلی وی گنادی زیگانوف، "ولادیمیر ژرینوفسکی" ملی گرای افراطی، "میخائیل پروخوروف" یکی از ثروتمندان روسیه که نامزد مستقل بود و "سرگئی میرونوف" سخنگوی سابق مجلس علیای روسیه از حزب چپ میانه.

هیأتی مشترک ۷۰۰ نفره ای متشکل از اعضای سازمان امنیت و همکاری اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا و مجمع پارلمانی سازمان همکاری و امنیت اروپا به همراه هزاران نفر از مردم آموزش دیده بر این انتخابات نظارت می کردند. علاوه بر این به دستور شخص پوتین و در راستای برطرف کردن هر گونه شک و شبهه در خصوص تخلفات احتمالی در تمامی ۹۶ هزار شعبه اخذ رای سراسر روسیه دوربین های مدار بسته نصب شده بود و روسای شعبه ها موظف بودند برای شفافیت رای گیری هر یکی از برگه های اخذ رای را مقابل دوربین بگیرند. ولادیمیر پوتین " با کسب ۶۴.۵۹ درصد آرا برای بار سوم به ریاست جمهوری رسید. پس از پوتین به ترتیب زیگانوف " ۱۷.۱۸ درصد آرا، میخائیل پروخوروف " ۷.۷ درصد آرا، ولادیمیر ژرینوفسکی ۶.۲۴ درصد آرا و "سرگئی میرونوف"، ۳.۸۴ درصد آرا را از آن خود کردند. از میان نامزدهای شرکت

کننده تنها زیگنوف نتایج انتخابات را غیرقانونی توصیف کرد و مدعی تقلب در انتخابات شد. برخی از شبکه‌های خبری نیز اختلاف زیاد بین میزان آرا پوتین و نامزدهای دیگر را نشانه تقلب گسترده در انتخابات دانستند. با این حال پس از اعلام نتایج انتخابات بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر از هواداران پوتین برای برگزاری جشن در میدان مانژ مسکو تجمع کردند.

مطابق اظهارات کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه در مجموع ۱۱۰ میلیون نفر از جمعیت حدود ۱۴۲ میلیون نفری روسیه واجد شرایط شرکت در پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این کشور بودند که ۶۹/۷ درصد آنها در انتخابات شرکت کردند.

انتخابات مصر: اولین دور انتخابات مجلس مردم مصر پس از سرنگونی حسنی مبارک طی ماه‌های نوامبر تا ژانویه در سه مرحله و هر مرحله شامل دو روز برگزار شد. در این انتخابات حدود ۵۰ حزب شرکت داشتند و ۳۰۰ ناظر از ۱۰ سازمان بین‌المللی بر صحت انتخابات نظارت داشتند. مرحله اول انتخابات با مشارکت ۶۲ درصدی نتایج زیر را به دنبال داشت: ائتلاف دمکراتیک به رهبری حزب "آزادی و عدالت" وابسته به جماعت اخوان المسلمین ۴۰ درصد؛ حزب سلفی نور ۲۰ درصد؛ جناح المصریه ۱۵ درصد؛ حزب الوسط ۶ درصد؛ حزب الوفد ۵ درصد؛ و حزب عدل یک درصد آرای ریخته شده به صندوق‌ها را کسب کردند. در مرحله دوم میزان مشارکت مردم به ۶۷ درصد افزایش یافت. از آنجا که تعداد معدودی از نامزدها توانستند بیش از ۵۰ درصد آرای هر حوزه را به خود اختصاص دهند، رای‌گیری به دور دوم کشیده شد. انتخابات دور دوم از مرحله دوم که در شرایط اعتراض و تظاهرات مردم برای سرنگونی شورای نظامیان مصر برگزار شد با مشارکت ۴۳ درصدی همراه بود. در این مرحله حزب آزادی و عدالت ۳۷.۲ درصد، حزب سلفی 'النور' با ۳۰ درصد و سپس از آن حزب 'الوفد' با ۱۳ درصد بیش‌ترین آرا را به دست آوردند.

در مرحله سوم که در ماه ژانویه برگزار شد نیز بار دیگر حزب عدالت و توسعه و حزب سلفی النور بیش‌ترین آرا را کسب کردند و به این ترتیب اسلام‌گراها در مجلس مصر به اکثریت قاطع آرا دست یافتند.

مبارزات انتخاباتی درون حزبی جمهوری خواهان در آمریکا: آخرین ماه‌های سال ۱۳۹۰ شاهد آغاز مبارزات ریاست جمهوری آمریکا برای انتخابات ۲۰۱۲ نیز بود. در این میان با توجه به حضور باراک اوباما به عنوان نماینده حزب دموکرات و اتفاق نظر دموکرات‌ها بر کاندیداتوری وی برای انتخابات ۲۰۱۲ طبیعتاً مبارزات درون حزبی تنها در میان جمهوری خواهان جریان دارد. جمهوری خواهان با معرفی ۸ نامزد ریاست جمهوری در مرحله اول، انتخابات درون حزبی خود را برای انتخاب نامزد نهایی جمهوری خواهان و رقیب اوباما آغاز کردند. ۸ نامزد جمهوری خواهان عبارتند از: میت رامنی، فرماندار سابق ماساچوست، ریک پری فرماندار تگزاس، ران پل، پزشک و سیاستمدار عضو مجلس نمایندگان آمریکا، میشل باکمن و کیل و عضو جنبش تی پارتی، نیوت گینگریچ رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در زمان کلینتون، جان

هانتسمن فرماندار ایالت یوتا و سفیر سابق آمریکا در پکن، هرمن کین سیاستمدار تازه کار و مدیرعامل سابق رستوران‌های زنجیره‌ای "پیتزا پدرخوانده"، تیم پاولنتی فرماندار مینه سوتا، ریک سنتوروم عضو سابق مجلس نمایندگان و سنا.

وجه اشتراک همه این کاندیداها به جز ران پل ایران‌ستیزی و طرفداری از اسرائیل و صهیونیست‌ها و تلاش برای جلب نظر آنها است. آنها در مناظرات انتخاباتی ایران را به حمله نظامی و بمباران تأسیسات هسته‌ای تهدید کرده‌اند و در عمل در طول مسوولیت‌های دولتی خود ضدایرانی‌ترین اقدامات را انجام داده‌اند. در این میان تنها ران پل چهره ضدصهیونیسم و دارای دیدگاه‌های میانه‌رو نسبت به ایران است. نامزدهای جمهوری خواهان اواما را به نرمش در برابر ایران متهم کرده و خواستار اقدامات قاطع در برابر ایران هستند.

رقابت‌های درون حزبی جمهوری خواهان از ۳ ژانویه از ایالت آیووا آغاز شد و تاکنون ده مرحله از این انتخابات برگزار شده است. نتایج انتخابات برگزار شده نشان می‌دهد که از میان نامزدهای جمهوری خواه میت رامنی در بیشتر ایالت‌ها پیش‌تاز است. وی در ایالت‌های آیووا، نیوهمپشایر، فلوریدا، نودا، مین، آریزونا، میشیگان و واشنگتن نفر اول بود. اریک سنتوروم در سه ایالت مینه سوتا، میسوری و کلرادو نفر اول بود. کینگریچ تنها در ایالت کارولینای جنوبی نفر اول شده است. بررسی آماری نتایج به دست آمده از ده مرحله انتخابات مقدماتی حزب جمهوری خواه نشان می‌دهد که میت رامنی شانس بیشتری برای نامزدی حزب جمهوری خواه دارد. بعد از او اریک سنتوروم، کینگریچ و ران پل قرار دارند. بر اساس آخرین نتایج به دست آمده از انتخابات مقدماتی ایالت‌های مختلف آمریکا از ۱۱۴۴ رأی کالج انتخاباتی (دلیگیت) مورد نیاز برای انتخاب شدن، رامنی ۱۸۷ رأی، سنتوروم ۶۵ رأی، کینگریچ ۳۰ رأی و پل ۲۰ رأی کسب کرده‌اند. عملاً بقیه نامزدها از رقابت‌های انتخاباتی کناره‌گیری کرده‌اند یا شانس برای موفقیت ندارند. به نظر می‌رسد در مرحله بعدی انتخابات در اولین سه شنبه ماه مارس (۶ مارس ۲۰۱۲) که به "سه شنبه سرنوشت‌ساز" معروف است و در ده ایالت به طور همزمان برگزار می‌شود چشم‌انداز روشنی از نامزدهای حزب جمهوری خواه به وجود آید.

در همین حال نظرسنجی‌های صورت گرفته در آمریکا نشان‌دهنده آن است که اواما نامزد حزب دموکرات فاصله قابل توجهی با میت رامنی دارد. محبوبیت او نسبت به ماه‌ها قبل افزایش یافته است. ۵۳ درصد مردم آمریکا موافق عملکرد وی هستند و ۴۵ درصد مخالف وی می‌باشند. در مقابل میزان موافقان برای رامنی ۴۳ درصد و برای سنتوروم ۴۲ درصد می‌باشد. به این صورت اواما از دو رقیب اصلی‌اش یعنی رامنی و سنتوروم با اختلاف ۱۰ و ۹ درصد جلوتر است و نسبت به کاندیدای جمهوری خواهان فارغ از این که چه کسی باشد با ۵ درصد پیش‌تاز است. با توجه به اینکه انتخابات مقدماتی تنها در میان نامزدهای حزب جمهوری خواه جریان دارد و آنها برای پیروزی در این مرحله هم‌دیگر را مورد حمله قرار می‌دهند، احتمال تداوم این فاصله و پیروزی اواما در انتخابات آبان سال ۱۳۹۱ بیشتر است.

وجه اشتراک همه کاندیداهاى حزب جمهورى خواه به جز ران پل ایران ستیزى و طرفدارى از اسرائیل و صهیونیست‌ها و تلاش برای جلب نظر آنها است

تحلیل موضوع

به طور کلی با توجه به تحولات انتخاباتی در کشورهای فوق تهدیدها و فرصت‌های زیر را می‌توان برای جمهوری اسلامی ایران تصور کرد:

۱. **در رابطه با ترکیه:** همان طور که شاهد بوده‌ایم روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه نقش مهمی در بهبود روابط دو کشور همسایه داشته است. حزب عدالت و توسعه با تأکید بر عمل‌گرایی در سیاست خارجی تلاش کرده تا روابط خود را با کشورهای همسایه ارتقا دهد و با ایفای نقش فعال به ویژه در زمینه میانجی‌گری در مسئله هسته‌ای ایران جایگاه خود در منطقه را بهبود بخشد. بدیهی است که بهبود روابط ایران با کشور همسایه و تشکیل محور ایران-ترکیه، مواضع این کشور در مخالفت با تحریم‌های سازمان ملل و تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، حمایت قاطع از ملت فلسطین، صدور بیانیه مشترک ایران-ترکیه-برزیل تاکنون هم‌سو با مواضع و مطابق با منافع ایران بوده و تداوم این سیاست از جانب حزب پیروز عدالت و توسعه به معنای تداوم فرصت‌ها و امنیت برای ایران است. در عین حال تلاش این حزب برای تبدیل کردن ترکیه به قدرت منطقه‌ای آن را به رقیبی مهم برای ایران تبدیل کرده است که خود همانند شمشیر دولبه می‌تواند به فرصت یا تهدیدی برای ایران تبدیل شود چراکه با برتری یافتن ترکیه تهدید مهمی در همسایگی ایران به وجود خواهد آمد. همچنان که در حال حاضر اسلام‌گرایان کشورهای چون تونس، حزب عدالت و توسعه -را الگوی خود می‌دانند و این گرایش، ادعای ایران در زمینه تأثیرپذیری حکومت‌های آینده منطقه از انقلاب ایران را به چالش می‌کشد. به ویژه اینکه مواضع این کشور در رابطه با سوریه و سپر موشکی نشان می‌دهد که این حزب حاکم، منافع خود را قربانی مصالح رابطه با ایران نخواهد کرد.

۲. **در رابطه با تونس:** اگرچه دو کشور در گذشته روابط پرفراز و نشیب و نه چندان نزدیکی داشته‌اند تمایل دولت جدید اسلام‌گرای تونس به گسترش روابط با ایران به ویژه در زمینه اقتصادی و تجاری فرصت مناسبی برای گسترش دیپلماسی ایرانی و تقویت جبهه ایران در برابر غرب است. با این حال درک نادرست از شرایط این کشور، برقراری روابط شتابزده و اتخاذ سیاست‌های افراطی علیه سوریه از سوی دولت جدید تونس چشم‌انداز روابط دو کشور را مبهم می‌سازد.

۳. **در رابطه با مصر:** همانند تونس، پیروزی جریان اسلام‌گرای اخوان المسلمین در مصر و تمایل آنها به از سرگیری روابط دوستانه با ایران فرصت جدیدی پیش روی ایران است. این مسئله با توجه به محوریت مصر در جهان عرب حائز اهمیت است. در همین حال پیروزی حزب سلفی النور پیرو وهابیت عربستانی در کنار اخوان المسلمین در انتخابات مجلس، می‌تواند تهدیدی برای گسترش روابط دو کشور باشد و روابط دو کشور را تحت تأثیر مسائل ایدئولوژیک قرار دهد.

۴. **در رابطه با روسیه:** آنچه مسلم است رابطه روسیه با ایران همیشه رابطه‌ای دوگانه و تابع منافع و اقتضائات قدرت این کشور بوده است که با روی کار آمدن پوتین و قدرت‌یابی روسیه این روند تشدید شد. با این حال بدبینی پوتین نسبت به آمریکا و ترس از گسترش حضور و

حمله احتمالی آن به ایران در برخی مقاطع به تأمین منافع ایران کمک کرده است. سیاست مدودف نیز گرچه تداوم راه پوتین بود اما در این دوره شاهد نزدیکی بیشتر آمریکا و روسیه و قربانی شدن بیشتر منافع ایران بودیم که البته با ناکامی‌های روسیه نیز همراه شد. پیروزی مجدد حزب روسیه واحد و به ویژه ریاست جمهوری مجدد پوتین این فرصت را برای ایران به همراه دارد که با شناخت حاصل شده از اولویت‌ها و منش سیاسی رهبران این حزب و حساسیت روابط این کشور با آمریکا امکان امتیازگیری بیشتر برای ایران را فراهم می‌کند. در عین حال بی‌توجهی به تجربیات گذشته و اعتماد بیش از حد به روسیه همچنان منافع ایران را در معرض قربانی شدن قرار خواهد داد.

۵. در رابطه با آمریکا: اگر چه صحبت از فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در رابطه با انتخابات آمریکا زود هنگام است بدیهی است که مطلوب‌ترین گزینه کاندیداتوری جمهوری خواهان برای ایران ران پال - به عنوان شخصی میانه‌رو نسبت به ایران و ضد صهیونیسم - است که در صورت پیروزی در انتخابات نهایی می‌تواند در کاهش تنش‌های ایران و آمریکا مؤثر باشد. با توجه به این که در سال‌های گذشته تقریباً همه نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا به درجات مختلف دارای مواضع ضدایرانی بوده‌اند، نامزدی پال فرصتی است که ایران می‌تواند، هم در دوره مبارزات انتخاباتی و هم در صورت پیروزی ایشان در کاخ سفید از آن استفاده کند. تداوم حضور پال در عرصه مبارزات درون حزبی تا آخرین مراحل و طرح دیدگاه‌های وی به عنوان یک جریان فکری مخالف جریان اصلی ایران‌ستیز حاکم بر سیاستمداران آمریکایی، نقش قابل توجهی در شکل دادن به افکار عمومی آمریکا به نفع ایران ایفا خواهد کرد هرچند که پیروزی پال در رقابت‌های درون حزبی منتفی می‌باشد.

چشم‌انداز سال ۱۳۹۱

در سال ۱۳۹۱ با تثبیت وضعیت دولت‌های جدید تونس و مصر و تدوین قانون اساسی این کشورها، جغرافیای سیاسی جدید منطقه آشکارتر و در نتیجه تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی آسان‌تر خواهد بود. اما از آنجا که بر اساس تحلیل‌های ارائه شده موفقیت احزاب اسلام‌گرا در این کشورها تا حد زیادی از تجربه موفقیت حزب عدالت و توسعه و در عین حال عدم وابستگی این احزاب اسلام‌گرا به حکومت‌های دیکتاتوری سابق ناشی می‌شود، طبیعی است که دولت‌های جدید اسلام‌گرا تلاش می‌کنند تا با در راس قرار دادن منافع ملی و اقتصادی و فارغ از مسائل ایدئولوژیک که معمولاً هزینه‌بر است روابط خود با هر کشوری که منافع آنها را تأمین کند، تعمیق بخشند. این مسئله‌ای است که رهبران احزاب پیروز اسلام‌گرا صراحتاً به آن اذعان داشته‌اند تا جایی که حتی رهبران اخوان المسلمین مصر اعلام کرده‌اند که در خصوص پیمان کمپ دیوید تمایلی به تصمیم‌گیری زود هنگام ندارند. در رابطه با تونس نیز می‌توان این محافظه‌کاری را در شرکت نکردن الغنوشی رهبر حزب النهضة در همایش بیداری اسلامی در

ایران ملاحظه کرد. این اظهارات خود چراغ راهنمایی هستند که ما را در تعیین راهبردهای بهتر برای استفاده از ظرفیت رابطه با این کشورها و پرهیز از انزوای تحمیل شده کمک کنند. در این خصوص باید به نکات زیر توجه کرد:

- صرف نظر از میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر انقلاب‌های این کشورها، جمهوری اسلامی ایران باید برای گسترش روابط به ویژه در حوزه اقتصادی و تجاری بکوشد، چراکه در شرایط فعلی غرب با هدف قرار دادن اقتصاد کشور برای انزوای سیاسی و فرهنگی ایران نیز تلاش می‌کند. از آنجایی که، هم نظریه‌های کارکردگرایی و هم تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهند که نفوذ سیاسی و فرهنگی تا حد زیادی تابع قدرت اقتصادی است و این در جهان کنونی که کشورهای مختلف راه پیشرفت خود را بر مبنای منفعت‌گرایی و عمل‌گرایی می‌دانند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

- آنچه از شرایط کنونی می‌توان برداشت کرد و بر اساس آن تصمیم‌گیری کرد این است که دولت‌های اسلام‌گرای تونس و مصر در عین علاقه به رابطه با ایران، تمایل دارند که: ۱. روابط خود با ایران را فارغ از مسائل مذهبی و ایدئولوژیک سازماندهی کنند؛ ۲. روابط خود با ایران را به تدریج گسترش دهند.

دولت‌های اسلام‌گرای
تونس و مصر در عین
علاقه به رابطه با ایران،
تمایل دارند که روابط خود
با ایران را فارغ از مسائل
مذهبی و ایدئولوژیک
سازماندهی کنند

- مهم‌ترین نقطه ضعف و آسیب‌پذیری روابط ایران با این کشورها در وجود اختلاف مذهبی شیعه و سنی است. نقطه ضعفی که این روزها آمریکا به خوبی در رابطه ایران و سوریه و ترکیه از آن استفاده می‌کند. از این رو مقامات سیاسی و به ویژه جامعه فکری حوزوی در ایران باید مانع هرگونه اظهار نظر تندروانه و در نتیجه بهره‌برداری از این نقطه ضعف شوند و در عوض در جهت گسترش فعالیت‌های تقریب مذاهب بکوشند.

- همان‌گونه که به دنبال ملاقات‌های مقامات مصری با مقامات فرهنگی ایرانی مشاهده شد اظهار نظر در خصوص گذشته سیاسی و حاکمان دیکتاتور این کشورها (خاصه انورسادات)- حتی در شرایط پس از انقلاب- همچنان از حساسیت بالایی برخوردار است. بنابراین باید برای برقراری روابط از این‌گونه اظهارات پرهیز کرد.

- بهره‌گیری سفارتخانه‌های ایرانی از گروه‌های تخصصی و علمی برای انجام طرح‌های کاربردی در زمینه شناسایی ظرفیت‌های روابط اقتصادی-فرهنگی گام مؤثری در خصوص گسترش روابط و بهره‌برداری از شرایط است.

- رفع تنش‌های ایجاد شده در رابطه ایران و ترکیه و گسترش روابط با این کشور تا سر حد ایجاد یک محور قدرتمند ایران - ترکیه در کنار گسترش روابط با دولت‌های جدید منطقه و عراق می‌تواند به صلح و ثبات و تأمین منافع کشورهای مزبور کمک می‌کند. ایران باید از شرایط کنونی ایجاد شده در روسیه - بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی داخلی- برای امتیازگیری از این کشور استفاده کند. این مسئله با توجه به فاصله ایجاد شده بین روسیه و آمریکا در نتیجه عدم پابندی آن کشور به تعهدات خود در قبال روسیه و موضعگیری در انتخابات روسیه اهمیت بیشتری دارد.